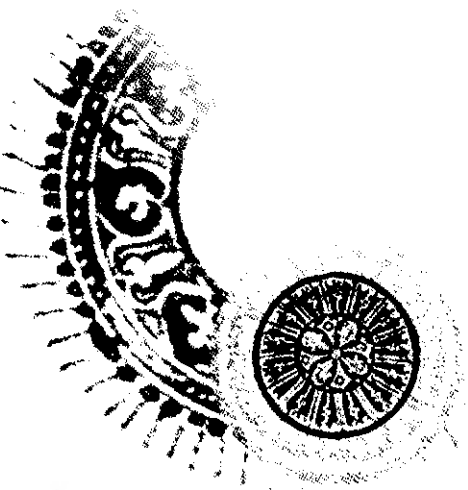


اخلاص، روحی در کالیب تبلیغ



محمد حسن نبوی

ضِدَّةُ الشُّؤْبِ؛^۱ ضد اخلاص شوب است.

شوب در کتب العین، لسان العرب، و مجمع البحرین به معنای مخلوط بودن است.

پس اخلاص به معنای پاکی و منزّه بودن و عدم مخلوط شدن با چیز دیگری است.

مجمع البحرین می نویسد:

«مَعْنَى الْإِخْلَاصِ هِيَ الْقُرْبَةُ الَّتِي يَذْكُرُهَا أَصْحَابُنَا فِي نِيَّاتِهِمْ وَهُوَ إِبْقَاعُ الطَّاعَةِ خُلُوصاً لِلَّهِ؛ معنای اخلاص به همان

یکی از ویژگیهای درونی مبلغ، اخلاص در کل فرایند تبلیغ می باشد. اخلاص تبلیغ را نور می بخشد، نفوذ می دهد، اعماق جان مخاطبان را به اصلاح می کشاند، روح گوینده و شنونده را سبیل می دهد و بالاخره رضای الهی را موجب می گردد.

اخلاص در لغت

اخلاص در کتاب معتبر مقایس این گونه معنا شده است «تنقیه الشيء و تهذیبه؛ پاک کردن و منزّه کردن چیزی را گویند»

امام صادق علیه السلام در حدیث جنود عقل و جهل می فرماید: «أَلَا إِخْلَاصٌ وَ

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۹.

اما افراد سطحی نگر خدا را فراموش کرده هر لحظه به دنبال فردی و جذب علاقه انسانی و یا پول و امکانات موجودی ناچیز، خود را به خفت و خواری می افکنند که این خود نوعی کفر و بی توجهی به قدرت لایزال الهی است. خلاصه آنکه توجه به غیر خدا از کم خردی و ضعف تعقل آدمی است.

عن ابی عبداللہ علیه السلام قال: «لَيْسَ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ إِلَّا قِلَّةُ الْعَقْلِ قِيلَ وَكَيْفَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ يَرْفَعُ رَغْبَتَهُ إِلَى مَخْلُوقٍ فَلَوْ أَخْلَصَ يَتَنَّهُ لِلَّهِ لَأَتَاهُ الَّذِي يَرِيدُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ ذَلِكَ»^۱ فاصله ای بین ایمان و کفر به جز کم عقلی نیست، گفته شد این امر چگونه است ای فرزند رسول خدا؟ حضرت فرمودند: بنده ای توجه خود را به مخلوق معطوف می دارد، پس اگر نیت خود را برای خدا خالص می ساخت، خداوند آنچه را که اراده می کرد با سرعت بیشتری به او می داد.»

اگر انسان برای حل مشکل و یا رفع نیازی به مخلوقی تمسک

معنای قربتی است که اصحاب ما در نیت های [عبادت] خود می گویند که همان انجام عبادت فقط برای خداوند است.»

لسان العرب می گوید:

«الْإِخْلَاصُ فِي الطَّاعَةِ تَرْكُ الرِّيَاءِ»
 اخلاص در عبادت پرهیز از ریا است.»
 به خوبی معلوم است که دو مورد آخر که از لسان العرب و مجمع البحرین ذکر گردید، دو مورد شاخص از مصادیق اخلاص می باشد.
 پس از مشخص شدن معنای اصلی اخلاص، موارد استعمال در فرهنگ آیات و روایات مشخص می گردد.

اخلاص نتیجه تعقل

آدمی اگر عمیق بنگردد و به حاکمیت مطلق الهی باور یابد، از ژرفای جان به خوبی درک می کند که هیچ موجودی در مقابل قدرت الهی کمترین نیرویی ندارد. اراده، توان و قلبهای همه انسانها به دست اوست و هر چه او بخواهد تحقق می یابد و اگر تمام عالمیان خلاف اراده او بر کاری تصمیم بگیرند، تحقق نخواهد یافت.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۸.

می جوید و به خداوند که همه قدرتها در اختیار اوست توجه نمی کند، از کم عقلی اوست.

ثمره اخلاص

مبلغ که منادی توحید و هدایتگر انسانها به سوی خداوند است، خود بیش از دیگران باید در اعماق جان خویش خدا را باور داشته و هرگز کم توجهی به غیر خداوند نداشته و دنیاجویی در نیت، اعمال و رفتارش راه نیابد. هدایتگرانی که با تبلیغ خویش جوامع را متحول ساخته اند، علاوه بر تسلط بر علوم و اصطلاحات، از طریق اخلاص به جوشش حکمت در قلب خویش رسیده، زبان آنان از چشمه ساران حکمت قلبشان حکایت می کرد.

«عَنِ الرَّضَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ بِنَائِبِ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ؛^۱ حضرت رضاء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از پدرانشان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ و آنان از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردند که: هیچ بنده ای چهل روز خود را برای خداوند عزوجل خالص نساخت مگر آنکه چشمه ساران

حکمت از قلب او بر زبانش جاری گشت.»

همنشینی با عالمان مخلص

همه مردم، طلاب و علماء اگر بخواهند راه نجات بیمایند، باید از همنشینی با عالمان سوء و دنیامدار و طمع ورز بپرهیزند؛ زیرا این افراد در دوستان خویش همانند ویروسی خطرناک نفوذ بیماری را داشته و هیچ کس به جز انسانهای بسیار پارسا از خطر آنان در امان نخواهند بود.

مبلغ مخلص منطقه ای را احیاء و عالمی دنیا دوست برای دنیای خویش دین خود و مردم را به حراج می گذارد. مبلغ مخلص در پاداش اعمال پاک مردم شریک است و دنیامداران با وزر ترویج دنیاگرایی دست به گریبان خواهند بود.

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ دَاعٍ مُدَّعٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْيَقِينِ إِلَى الشُّكِّ وَمِنَ الْإِخْلَاصِ إِلَى الرِّيَاءِ وَمِنَ التَّوَّاضِعِ إِلَى الْكِبْرِ وَ مِنَ النَّصِيحَةِ إِلَى الْعَدَاوَةِ وَمِنَ الزُّهْدِ إِلَى الرُّغْبَةِ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْكِبْرِ

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

دعوت کند و از شرک و ریا به توحید و اخلاص فرا خواند، لازم است قبل از هر چیز به درون خویش بیدار باش دهد. در غیر این صورت موجب گمراهی مردم گشته، آنان در تطبیق گفتار و کردار گوینده حیران و برخی به انحراف کشیده می شوند. چنین افرادی نباید به خود اجازه موعظه مردم دهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَحْسَنُ الْمَوْاعِظِ مَا لَا يَجَاوِزُ الْقَوْلَ حَدَّ الصَّدَقِ وَالْفِعْلَ حَدَّ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّ مَثَلَ الْوَاعِظِ وَالْمَوْعُوظِ كَالنَّفِطَانِ وَالرَّاقِدِ فَمَنْ اسْتَبَقَطَ عَنْ رَفْدِيهِ وَغَفْلَتِهِ وَمُخَالَفَتِهِ وَمَعَاصِيهِ صَلَحَ أَنْ يُوقِفَ غَيْرَهُ مِنْ ذَلِكَ الرَّقَادِ وَأَمَّا السَّائِرُ فِي مَقَاوِزِ الْإِعْتِدَاءِ وَالْخَائِضِ فِي مَرَاتِعِ السَّغْيِ وَتَرْكِ الْخِيَاءِ بِاسْتِحْبَابِ السُّنْمَةِ وَالرِّيَاءِ وَ الشُّهُرَةِ وَالتَّصْنُوعِ فِي الْخَلْقِ الْمُتَزَيِّ بِزِيِّ الصَّالِحِينَ الْمُظْهِرُ بِكَلَامِهِ عُمَارَةَ بَاطِنِهِ وَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ خَالٍ عَنْهَا فَذَعَمَتْهَا وَحَسَنَةُ حُبِّ الْمَخْمَدَةِ وَغَشِيَّتْهَا ظَلَمَةُ الطَّمَعِ فَمَا أَفْتَنَتْهُ بِهَوَاهُ وَأَضَلَّ النَّاسَ بِمَقَالِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ الْمَوْلَى وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ وَأَمَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ بِثُورِ التَّأْيِيدِ وَحُسْنِ التَّوْفِيقِ وَطَهَّرَ قَلْبَهُ مِنْ

إِلَى التَّوَّاضِعِ وَ مِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ وَ مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَ مِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ وَ مِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ وَ لَنَا يَضْلُحُ لِمَوْعِظَةِ الْخَلْقِ إِلَّا مَنْ خَافَ هَذِهِ الْأَقَاتِ بِصِدْقِهِ وَ أَشْرَفَ عَلَى عُيُوبِ الْكَلَامِ وَ عَرَفَ الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ وَ عِلَلَ الْخَوَاطِرِ وَ فَتَنَ النَّفْسِ وَ الْهَوَى،^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با هر مبلغ مدعی مجالست نداشته باشید؛ [کسی که] شما را از یقین به شک می خواند و از اخلاص به ریا و از تواضع به کبر و از نصیحت به دشمنی و از بی رغبتی نسبت به دنیا شما را به دوستی دنیا فرا می خواند. بلکه خود را به عالمی نزدیک کنید که شما را از تکبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از دنیا طلبی به بی میلی به دنیا و از دشمنی به نصیحت می خواند. و برای موعظه مردم صلاحیت ندارد مگر کسی که از این آفتها به راستی بترسد و بر عیوب سخن آگاه باشد و صحیح را از باطل و بیماریهایی که به قلب نفوذ می کند و فتنه های نفس و هواها را بشناسد.»

اخلاص شرط تبلیغ

کسی که می خواهد مردم را به خدا

الدَّائِسَ فَلَا يَفَارِقُ الْمَعْرِفَةَ وَالنُّتْقَى فَيَسْتَمِيعُ
 الْكَلَامَ مِنَ الْأَضَلِّ وَبِتَرْكِ قَائِلَةٍ كَيْفَ مَا كَانَتْ
 قَالَتِ الْحُكَمَاءُ خُذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَفْوَاهِ
 الْمَجَانِينِ؛^۱ بهترین مواعظ آن است که
 سخن از راستگویی تجاوز نکند و در
 عمل حد اخلاص را پشت سر نگذارد،
 همانا مثال موعظه کننده و موعظه
 شونده همانند بیدار و خواب است.
 پس کسی که از خواب و غفلت و
 مخالفت و معصیت خود بیدار شود،
 صلاحیت دارد که دیگری را از خواب
 بیدار کند؛ اما کسی که خود در مهلکه
 ستم حرکت می کند و در چرگاه
 گمراهی می چرد و کسی که بی حیا،
 سمعه و ریا و شهرت و صالح جلوه
 دادن خویش در مردم را دوست دارد و
 کسی که خود را به قیافه صالحین در
 می آورد؛ ظاهر کلامش نشانگر پاکی
 باطن اوست ولی او از آبادی باطن
 بی بهره است، همانا تنهایی علاقه به
 تمجید و تعریف باطن او را احاطه
 کرده است، تاریکی طمع او را پوشانده
 است، چقدر فریب هوای نفس
 خویش خورده و مردم را با گفته های
 خود گمراه می سازد. خداوند

می فرماید: چه بد دوست و همراهی
 است
 اما کسی که خداوند او را به نور
 تأیید و توفیق نیکو حفظ کرده و قلب
 او را از کثافات پاک گردانده باشد، از
 معرفت و تقوی دور نمی شود؛ پس
 سخن را از اصل می شنود و گوینده را
 هر طور باشد رها می کند. حکماء
 گفته اند: حکمت را گرچه از دهان
 دیوانه گان باشد، یاد گیر.»

در این روایت نکات بسیار زیبایی
 وجود دارد که در اینجا به مواردی
 اشاره می کنیم.

۱. برخی در موعظه برای اینکه
 مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و
 اصلاح کنند، در گفته های خویش دقت
 نکرده گاهی به دروغ و خلاف واقع
 گویی روی می آورند؛ مانند: خوابهای
 دروغ، خبر از عذابهای غیر واقعی، نقل
 حکایات بی پایه و...

مبلغ حق ندارد در تبلیغ بیش از
 آنچه از آیات قرآن و روایات فهمیده
 می شود بیان کند که مصداق

دروغ گویی و ارتکاب حرام است.

۲. بعضی می‌گویند: چون می‌خواهیم مردم را هدایت کنیم، اشکالی ندارد که برخی از عبادات را مقابل مردم انجام دهیم تا آنان نسبت به روحانیت خوش بین شده و هدایت شوند. این خود آغاز گمراهی مبلّغ است. مبلّغ نباید برای موعظه دیگران در اعمال خود از حدود اخلاص تجاوز کند که اگر به جای اخلاص، ریا، شهرت و خود نمایی جایگزین شد، او حق موعظه دیگران را ندارد؛ زیرا مردم را با گفتار خویش به گمراهی می‌کشاند.

۳. در پایان روایت تکلیف مردم بیان شده است که چون در همه ادوار تاریخ مبلّغان اهل تزویر و ریا و طمع و دنیا پرست و زاهدنما بوده و هستند؛ اگر خود پاک و اهل باشند، سعی کنند آیات و یا روایاتی که خوانده می‌شود را بدون توجه به گوینده، به اصل پاک و نورانی کلام که قرآن و معصومین علیهم‌السلام هستند برگردانند و از جانب آنان تلقی کنند.

کنکاش در نیت

از مباحث گذشته دانستیم که

اخلاص یک‌دستی، یک رنگی و مخلوط نداشتن است، و اخلاص در مسائل معنوی توجه ناب به خداوند داشتن و برای رضای او عمل کردن است.

توجه به رضای الهی و عمل برای جلب خشنودی حق، در هر کاری پسندیده و زمینه ساز عروج عمل می‌گردد و گاهی یک عمل مباح بدون قصد قربت کاری نیکو است، لیکن تنها با تفاوت نیت و برای رضای خدا عمل کردن، همان کار را از فرش به عرش می‌برد و زمانی در اعمال عبادی فقط به دلیل نبودن این نیت، کار ارزشمندی از عرش به فرش سقوط کرده و در برخی از موارد موجب وزر و عذاب الهی می‌گردد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى أَمْرِ دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»^۱ اعمال تنها در گرو

۱. همان، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

نیتها است و برای هر کس آنچه نیت کرده باقی می ماند؛ پس کسی که به سوی خدا و رسولش هجرت کرده باشد، هجرت او به سوی خدا و رسول او به حساب می آید و کسی که به سوی امر دنیایی هجرت کرده، به همان می رسد و کسی که برای ازدواج با زنی هجرت کرده هجرت به سوی همان محسوب می گردد. (نه هجرت به سوی خدا و رسول).

این عدم خلوص در رفتارهای بیرونی آنان نیز نفوذ کرده، بی پروا این رذیله اخلاقی را نشان می دهند. گاهی برای ریاست، زمانی برای پول، در مواردی برای جلب توجه مردم و... می کوشند که به خوبی عدم اخلاص آنان برای مردم روشن می گردد. مردم هم آرام و خاموش بدون اینکه سخنی بگویند رفتار مبلغ را با گفتارش به تحلیل می گذارند.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«عُلَمَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلَانِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَطَلَبَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ وَبَدَّلَهُ لِلنَّاسِ وَلَمْ يَأْخُذْ عَلَيْهِ طَمَعًا وَلَمْ يَشْتَرِ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَلِيلًا فَذَلِكَ يَسْتَفْقِرُ لَهُ مَنْ فِي الْبُحُورِ وَدَوَابِّ الْبَحْرِ وَالْبَرِّ وَالطَّيْرِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَيَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ سُدًّا شَرِيفًا وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَبَخَلَ بِهِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَمَعًا وَاشْتَرَى بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَلِيلًا فَذَلِكَ يَلْجِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ وَيَتَادِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ هَذَا قَلَانٌ بَنِي قَلَانَ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فَبَخَلَ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ حَتَّى يَفْرُقَ مِنَ الْجَنَابِ، أَعْلَمَاءُ أَيْنَ امْتِ بَرِ دَوِ

مؤمن زیرک همواره به نیت خود در اعمال توجه دارد و با نیت خالص از کارهای خویش بیشترین بهره را می برد و دنیا و آخرت خویش را آباد می سازد. و افرادی که به غیر خدا توجه دارند، با زحمات زیاد همچنان عمر خویش را بر باد داده و از رشد معنوی بی نصیب هستند.

نمود اخلاص

همان گونه که بیان شد، اخلاص یک امر درونی است و تنها خدا می داند که نیت انسانها چیست و برای چه تلاش می کنند. در بین عالمان انسانهایی یافت می شوند که نه تنها درون خویش را آلوده کرده اند، بلکه

تفسیر آیه‌ای برای ما بگویید. ممکن است مبلغ بگوید اگر برای او بگویم سخنرانی شب را مطرح کرده‌ام، از این رو از بیان علم می‌پرهیزد که این هم یکی از مصادیق بخل ورزیدن است. چه کسی می‌تواند تضمین کند که شما تا شب زنده باشید و آن مطلب را بگویید.

زمانی اتفاق می‌افتد که بر روی منبر مطلب مناسبی به حافظه سخنران خطور می‌کند و گاهی این مطلب رزق یکی از شنوندگان است که بهتر است مبلغ از بیان آن پرهیز نکند.

اجرت برای تبلیغ

پیامبران بسیاری از جمله پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ موظف بودند اعلان کنند که هیچ پاداشی برای دعوت مردم به خداپرستی دریافت نخواهند کرد.

خداوند به پیامبرانی دستور می‌دهد که «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا، بگو بر رسالت خود اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهم.»

در باره عالمان دینی و دریافت اجرت برای تبلیغ دین روایاتی از

دسته‌اند: یکی مردی که علمی را می‌یابد پس برای رضای خداوند و قیامت آن را فرامی‌گیرد و آن علم را برای مردم بیان می‌کند و از روی طمع چیزی برای آن دریافت نمی‌کند و به ثمن ناچیزی آن را نمی‌فروشد، این همان کسی است که موجودات دریاها و جنبندگان دریا و خشکی و پرند در آسمان برای او استغفار می‌کنند و بر خداوند وارد می‌شود در حالی که آقای شریف است.

و دیگری کسی که خداوند به او علم می‌دهد پس در بیان آن برای بندگان خداوند بخل می‌ورزد و برای بیان آن طمع داشته به بهای ناچیزی آن را می‌فروشد، پس این فرد را در روز قیامت به افسار آتشین لجام می‌زنند و یکی از ملائکه در مقابل مردم صدا می‌زند این فلان کس و فرزند فلانی است خدا در دنیا به او علمی داد و او در بیان آن برای بندگان خدا بخل ورزید [او این ندا را می‌گوید] تا حساب وی تمام شود.»

گاهی اتفاق می‌افتد که فردی به روحانی می‌گوید مسئله‌ای، روایتی و

معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که می توان آن روایات را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. دسته اول روایاتی است که بر منع دریافت اجرت برای تبلیغ دلالت دارد. در اینجا به دو نمونه از این روایات اشاره می شود.

از امام صادق علیه السلام نقل گردیده است: «مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْأُخْرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْأُخْرَةِ أَغْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْأُخْرَةِ» کسی که برای منافع دنیوی به دنبال روایت رود، در آخرت بهره ای نخواهد داشت و اما کسی که برای خیر اخروی به دنبال روایت رود، خداوند به او خیر دنیا و آخرت عطا خواهد فرمود.»

و در روایت دیگری نیز از آن حضرت نقل شده است که: «مَنْ أَحْتَاجَ النَّاسَ إِلَيْهِ لِيُفَقَّهُهُمْ فِي دِينِهِمْ فَيَسْأَلَهُمُ الْأُجْرَةَ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُدْخِلَهُ نَارَ جَهَنَّمَ»^۲ کسی که مردم به او نیاز داشته باشند که از معارف دین برای آنان بگوید و مردم از او درخواست کنند و او اجرت بخواهد، بر خداوند تعالی حق است که او را به آتش جهنم داخل

کند.»

۲. دسته دوم از روایات مبین آنست که قبول وجه از مسلمانان برای تبلیغ بلاشکال است، که در اینجا دو نمونه ذکر می شود.

زاوی می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: «مَنْ إِسْتَأْكَلَ بِعِلْمٍ اِفْتَقَرَ؛ كَسَى كَسَى بِأَعْلَمِ اش رُوزِي بِخُورِد، فَقِيرٌ مِي گَر دَد.»

زاوی می گوید، عرض کردم:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ فِي شِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ قَوْمًا يَتَحَمَّلُونَ عُلُومَكُمْ وَيَبْنُونَهَا فِي شِيعَتِكُمْ فَلَا يَغْدَمُونَ عَلَى ذَلِكَ مِنْهُمْ السَّبْرَ وَالصَّلَاةَ وَالْإِكْرَامَ فَقَالَ علیه السلام لَيْسَ أَوْلَيْكَ بِمُسْتَأْكِلِينَ إِنَّمَا الْمُسْتَأْكِلُ بِعِلْمِهِ الَّذِي يُفْتِي بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِيَنْطَلَّ بِهِ الْحَقُوقَ طَمَعًا فِي حُطَامِ الدُّنْيَا»^۳ به فدایت شوم، در بین شیعیان و دوستان شما گروهی هستند که علوم شما را فرا گرفته و در بین شیعیان ترویج می کنند، شیعیان هم نسبت به آنان در صلّه و اکرام و نیکی کوتاهی نمی کنند.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۶.

خود را به عالمی نزدیک
کنید که شما را از تکبر به
تواضع و از ریاء به اخلاص و
از شک به یقین و از
دنیا طلبی به بی میلی به دنیا
و از دشمنی به نصیحت
می خواند.

کردند و یا وجهی به او پرداختند،
گرفتن آن بلا اشکال است.
در تهذیب نیز همین جمع دلالتی
ذکر شده و بیان گشته است.
بدان امید که همگی از روی
اخلاص و فقط برای رضای الهی،
بدون هیچ پیش شرطی به نشر معارف
دین پرداخته و برای حل مشکلات
زندگی فقط بر او توکل کنیم که «وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۲ «هر کس بر
خدا توکل کند، کفایتش خواهد کرد.»

امام علیه السلام فرمودند: اینان روزی
خور به علم نیستند، کسانی به علم
خود روزی می خورند که بدون علم و
هدایتی از جانب خداوند عزوجل
فتوی می دهند تا برای رسیدن به مطامع
ناپایدار دنیوی حقی را باطل کنند.»

در روایت دیگری فضل ابن ابی
قره می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض
کردم که اینان می گویند در آمد معلّم
حرام است. حضرت فرمودند:

«كَذَّبُوا أَغْذَاءَ اللَّهِ إِنَّمَا أَرَادُوا أَنْ لَا يَتَلَمَّعُوا
الْقُرْآنَ وَلَوْ أَنَّ الْمُعَلِّمَ أَغْطَاهُ رَجُلٌ دِيْنَةً وَلَدِيهِ
لَكَانَ لِلْمُعَلِّمِ مُبَاحًا»^۱ دشمنان خدا دروغ
گفتند، اینها می خواهند قرآن آموزش
داده نشود. اگر مردی به معلّم دینه
فرزندش را بدهد، برای معلم مباح
است.»

اگر چه بین این دو دسته روایت
در نگاه ابتدایی تنافی احساس
می گردد، لیکن هیچ تنافی بین آنها
نیست. از روایات دسته اول فهمیده
می شود که مبلغ نباید برای بیان معارف
دین اجرت طلب کند، اما دسته دوم
می گوید: اگر مبلغ شرط اجرت نکرد،
ولی مردم خود به او صله داده، اکرام

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱.

۲. طلاق/۳.